

# پیوند رسانه و ادبیات

حمید حیدر پناه

در یک اثر ادبی، نویسنده یا شاعر می‌کوشد اندیشه‌ها و عواطف خویش را در قالب مناسب‌ترین و زیباترین جملات و عبارات بیان کند. این آثار همان گفته‌ها و نوشته‌هایی هستند که مردم در طول تاریخ آنها را شایسته نگهداری می‌دانند و از خواندن و شنیدنشان لذت می‌برند.

فرهنگ درخشان ما جلوه‌گاه آثار ادبی بسیاری مانند شاهنامه، تاریخ بیقی، مثنوی مولوی، بوستان و گلستان سعدی، غزلیات حافظ و... است که در شمار غنی‌ترین و شیواترین آثار ادبی جهان قرار دارند.

در حال حاضر تلاش‌های بسیاری برای گسترش و توسعه ادبیات ما صورت می‌گیرد؛ از جمله چاپ متعدد کتب و آثار ادبی، برگزاری جشنواره‌ها، همایش‌ها و نشست‌های ادبی و... که در جای جای ایران برگزار شده و چراغ ادبیات را همچنان روشن نگاه داشته‌اند.

از طرفی با گسترش روزافزون فناوری‌ها و رسانه‌های گروهی که نقش زیادی در انتقال و گسترش یافته‌ها و اشاعه فرهنگی دارند، باعث شده عصر حاضر را عصر ارتباطات بنامیم که در این میان، رادیو و تلویزیون یکی از گسترده‌ترین و تاثیرگذارترین این رسانه‌ها هستند.

بنابراین نقش رادیو و تلویزیون در گسترش ادبیات ما بسیار چشمگیر خواهد بود که در حال حاضر با آن که در قالب برنامه‌های مختلفی به حوزه ادبیات پرداخته می‌شود، اما جا دارد بیشتر از اینها و به شکل تخصصی‌تری این حوزه را بسط داد و به نوعی شاهد ارتباط نزدیک‌تر و مستمتر نشست‌ها و محافل ادبی با رسانه ملی باشیم و پخش و انعکاس گزارش‌ها و اخبار نشست‌های ادبی در صداوسیما گسترش یابد.

برنامه‌سازان هم گاهی ادعان می‌کنند محافل ادبی در خیلی وقت‌ها ظرفیت‌های رسانه‌ای شدن و جذب مخاطب را ندارند. ما در این گزارش داد و ستد محافل ادبی را با تلویزیون مورد بررسی قرار داده‌ایم.

## محافل ادبی در سایه

اسماعیل امینی درخصوص این که چرا اکنون چنین برنامه‌هایی در رسانه نیست یا کمتر هست، می‌گوید: شاید جزو تعریف‌های برنامه‌های صداوسیما نبوده یا این که برای قرار گرفتن در برنامه‌ها، باید جاذبه خبری داشته باشد که محافل ادبی عمدتاً جاذبه خبری ندارند.

قبلاً یکسری برنامه داشتیم از جمله شعر جوان که توسط عبدالجبار کاکایی اجرا می‌شد که به معرفی شاعران جوان می‌پرداخت و گزارش‌هایی از نشست‌های ادبی پخش می‌کرد که الان نیست و ما در حوزه ادبیات فقط برنامه مشاعره را داریم. مشاعره فقط صورت ظاهری ادبیات است و خیلی به مفاهیم و معنای شعر نمی‌پردازد و بیشتر جنبه بازی و سرگرمی دارد که ادبیات و گستره آن خیلی بیشتر از اینهاست.

این عضو شورای عالی شعر صداوسیما معتقد است: در صورتی که به این مقوله پرداخته شود قطعاً مخاطبان زیادی جذب خواهد کرد. از نمونه‌های بارز آن دیدار شاعران با رهبر معظم انقلاب است و یا این که هر سال یک‌بار انجام و نشان داده می‌شود، پخش آن مخاطبان بسیاری جذب می‌کند و خیلی هم مورد استقبال مردم قرار می‌گیرد.

وی می‌افزاید: اگر در محافل ادبی بحث‌های جدی مطرح شود و اشعار خوب خوانده شود و از طرفی هم تلویزیون رویکرد جدی‌تری نسبت به این گونه نشست‌ها داشته باشد قطعاً شاهد اتفاقات بهتری در این خصوص خواهیم بود. لازم است توجه ویژه‌ای به نشست‌های ادبی که در شهرستان‌ها برگزار می‌شود، شود و پخش و انعکاس آنها کمک زیادی به گسترش فرهنگ و ادبیات کشور می‌کند.

امینی اعتقاد دارد: مردم امروزه با محافل ادبی ارتباطی ندارند و شاعران، نویسندگان ادبیات و آثار آنها را بخوبی نمی‌شناسند که این عامل ناشی از کمتر دیده شدن این نشست‌ها و کلا حضور کم‌رنگ شاعران و اهالی ادبیات در تلویزیون است.

این شاعر از اهمیت بالای شعر و ادبیات در ترویج فرهنگ می‌گوید و این که ادبیات، هنر ملی ماست و مقدم بر دیگر هنرها، ولی انعکاس آن از هنرهای دیگر کمتر است و تلویزیون به اندازه‌ای که به فوتبال و ورزش و سایر حوزه‌ها اهمیت می‌دهد، به ادبیات هم باید توجه داشته باشد، هر چند در این میان عملکرد رادیو را خیلی بهتر از تلویزیون می‌داند.

## شبکه تخصصی ادبیات

عبدالجبار کاکایی که سال‌هاست مسئولیت برگزاری جلسات شعر و ترانه را در فرهنگسراهای مختلف به عهده دارد، نقد جدی‌تر را میان این دو، بیشتر به تلویزیون دارد و معتقد است نگاه به برنامه‌سازی‌ها بیشتر اقتصادی شده و شاید ادبیات دیگر جذابیت و جایگاهی برای برنامه‌سازان ندارد.

وی با اشاره به رویکرد صداوسیما در تاسیس شبکه‌های تخصصی اعتقاد دارد برای مخاطبانی هم که به شکل حرفه‌ای ادبیات را دنبال می‌کنند شبکه‌ای تاسیس شود تا ضمن پیگیری و نقد حوزه ادبیات، به پوشش و انعکاس فعالیت‌ها و نشست‌های ادبی بپردازد.

وی از دیگر مشکلات این حوزه را متفاوت بودن مسیر رسانه و ادبیات می‌داند و از مرزبندی‌هایی که در رسانه برای ادبیات تعریف شده می‌گوید و می‌افزاید باید از نگاه سلیقه‌ای به این حوزه خودداری کرد.

به اعتقاد کاکایی، از طرفی هم نقدهایی به برخی نشست‌ها و محافل می‌شود که مثلاً در مجامع ادبی جریان‌های متفاوتی فعالیت می‌کنند که عملکرد برخی از آنها بشدت قابل نقد است، مانند جریان‌هایی که برخی اصول را مورد حمله قرار داده و در مواقعی به



**خوب است برای مخاطبانی هم که به شکل حرفه‌ای ادبیات را دنبال می‌کنند شبکه‌ای تاسیس شود تا ضمن پیگیری و نقد حوزه ادبیات، به پوشش نشست‌های ادبی بپردازد**



و وقتی رسانه ملی باشد باید انتقال‌دهنده همه وجوه فرهنگی و ادبی کشور باشد. ما در حال حاضر با دو نوع رسانه سروکار داریم. یکسری که عمدتاً شامل مجلات و روزنامه‌ها هستند و جنبه شخصی‌تری دارند و بر اساس علایق خود به حوزه‌هایی می‌پردازند، یعنی اگر مجله‌ای به بحث در حوزه ادبیات می‌پردازد تا حدی بر حسب علایق شخصی است، اما رسانه ملی همان طور که از نامش پیداست نمی‌تواند بر اساس دیدگاه و علایق شخصی به این حوزه‌ها بپردازد، بلکه این جزو وظایف اوست. شاید هم خود رسانه گمان می‌کند تا حد لازم به مقوله ادبیات می‌پردازد،

اما به نظر من خیلی اندک است و کافی نیست.

به هر حال همان طور که در گفت‌وگو با کارشناسان این حوزه مطرح شد در حال حاضر این ارتباط آن طور که باید نیست و شاهد پوشش بسیار کمی در حوزه ادبیات هستیم و تلویزیون باید توجه بیشتری به این حوزه داشته باشد. ایراداتی هم بر نشست‌ها و محافل ادبی وارد است. این که شاید در بسیاری از آنها آن طور که باید آثار ادبی فاخری در آنها سروده نمی‌شود و بعضاً هم در آن سطحی قرار نگرفته‌اند که از سوی بینندگان میلیونی رسانه دیده و شنیده شوند که این امر مستلزم حرکت موازی این دو حوزه است. با اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌ریزی بیشتر در این حوزه و در آینده نزدیک تاسیس شبکه‌ای اختصاصی برای ادبیات باید شاهد تعامل بهتر این دو حوزه باشیم که در نهایت به بهبود و گسترش فرهنگ غنی ما کمک خواهد کرد.



هتاکسی هم می‌پردازد که قطعاً این نوع جریان‌ها، جایی برای مطرح شدن در حوزه رسانه ملی ندارند.

این شاعر و ترانه‌سرا، مهم‌ترین راهکار این مقوله را داشتن یک نگاه اصلاح‌گرایانه در این حوزه و سیاست‌گذاری‌های مناسب در این خصوص از سوی مسئولان مربوط می‌داند و امیدوار است در آینده نزدیک شاهد پیوند و تعامل مثبتی میان حوزه ادبیات و رسانه باشیم.

## ضرورتی انکارناپذیر

به گفته محمدعلی بهمنی، وقتی از رسانه نام می‌بریم یعنی انتقال‌دهنده افکار و فرهنگ که ادبیات هم جزئی از آن است